

نایب رییس مجلس شورای اسلامی در گفت و گوی اختصاصی با ماهنامه انجمن پسته ایران مطرح کرد:

بخش خصوصی روی پای خودش بایستد

نقص جدی در قانون به رسمیت شناختن چاه‌های غیر مجاز

ما این مسیر را مسیر درستی نمی دانیم.

سپهر منظور تان ستاد عالی است؟

بله؛ ستاد عالی. ما این مسیر را یک مسیری که به نتیجه برسد نمی دانیم. مسیر همان است که بخش خصوصی با قدرت روی پای خودش بایستد و دست روی زانوی خودش بگیرد و از جا بلند شود. البته حاکمیت یعنی مجلسی‌ها، دولتی‌ها، قوه قضاییه هم باید بروند به سمت وظایف حاکمیتی. یعنی حمایت، هدایت، برنامه‌ریزی و این قبیل مسائل. انجمن پسته ایران هم می‌تواند در این مسیر قدم‌های مثبت خوبی را بردارد.

سپهر یکی از قوانینی که مجلس در خصوص کشاورزی

به تصویب رساند قانون بهره‌وری کشاورزی بود. چه شد

که این قانون نتوانست آنطور که مجلسی‌ها پیش‌بینی

می‌کردند، بر کشاورزی ایران تأثیر بگذارد؟

اصولاً وقتی ما قانونی را تصویب می‌کنیم ممکن است نواقصی داشته باشد. یک قانون که تصویب می‌شود سه، چهار آسیب می‌تواند داشته باشد؛ اینکه درست اجرا نشود. ناقص اجرا شود. یکی هم این که درست اجرا شود ولی خود قانون نقص و مشکل داشته باشد. این تعاملات مستمر بخش خصوصی، مجریان قانون و تصویب‌کنندگان قانون، خودش یک مسیر اصلاح و تکمیل است. یکی از توقعاتی که از شورای گفتگو داریم، این است که یک شورای بزرگ قانونمند و با ضمانت اجرایی تصمیمات، و حلقه مفقوده‌ای باشد که یک قانون که تصویب می‌شود اول دقت کنند که این قانون کامل و درست اجرا شود. اگر در حین اجرا احساس کرد که خود قانون نقص دارد می‌توان آن را به سرعت اصلاح کرد.

سپهر بی‌تعارف باید بگویم، هر قدر هم که

تشکل‌های بخش خصوصی پیگیر این مسایل

باشند اما در برخی مقاطع، تصمیم‌گیری‌هایی

که از طرف بخش خصوصی تعبیر به "تصمیمات

سیاسی" می‌شوند، در مجلس گرفته می‌شود؛

نمونه‌اش قانون به رسمیت شناختن چاه‌های غیر

مجاز. انجمن پسته مصمم بود و تمام تلاشش را

کرد تا این قانون به تصویب مجلس نرسد و در

کمیسیون‌های مختلف موضوع را پیگیری کرد. از

آن طرف مجلس رأی به رسمیت شناختن چاه‌های

غیرمجاز داد. ارزیابی شما نسبت به این مساله

چیست؟

من هم بی‌پرده صحبت می‌کنم. مجلس، دولت و مجمع

تشخیص مصلحت نظام یعنی حاکمیت، باید مسایل را

خیلی جامع ببیند. در کشور گروه‌های مختلف وجود

دارند که مطالباتی دارند. بعضاً این مطالبات مخالف

هم هستند. نقض‌کننده هم هستند. مهم این است که

بخش خصوصی و جریان حاکمیت، که چه کمک‌های

متقابلی می‌توانند بکنند، ساز و کارهایی را در قوانین

مشخص کردیم. از جمله در قانون برنامه پنجم، شورای

گفتگو را راه انداختیم که تعداد مشخص از وزرای مؤثر

و یک‌سری فعالان اقتصادی کشور که فکر می‌کنم یک

لابی خوب و قدرتمند می‌تواند باشد. اگر چه دولت دهم

یک مقدار از کارها را انجام داد و جلو رفت، اما متأسفانه

در دو سال اخیر دولت دهم شورای گفتگو را تحویل

نگرفت. در دولت یازدهم مجدداً بحث شروع شده است.

اما از دولتی‌ها گلایه‌ای را داریم. در اولین اجلاس شورای

گفتگو متأسفانه از ۶، ۷ وزیری که قرار بود شرکت

کنند، فقط یک وزیر شرکت کرد. درحالی که نمایندگان

مجلس تعدادی که موظف بودند، شرکت کردند. بخش

خصوصی هم حضور خوبی داشت. من از همین تریبون

به دولت یازدهم که کار و شعارش را با قانونمداری شروع

کرده، پیام می‌دهم که ما تقاضای جدی داریم که در این

بخش هم دقت کنند و حتماً این لابی را جدی بگیرند.

اگر دولت بخواهد که مباشر نباشد، هادی و حامی باشد،

برنامه‌ریز و سیاستگذار باشد، باید از طریق همین ابزارها

به بخش خصوصی اعمال حاکمیت کند و در ضمن

حمایت و هدایت کند. اگر دولت این تیپ کارها را

کمک کند، بخش خصوصی خیلی می‌تواند فربه‌تر شود.

یک بحث دیگر داشتیم به نام باز شدن فضای کسب و

کار که آن را هم یک قانون بسیار مترقی در پایان سال

۹۰ تصویب کردیم، ولی متأسفانه دولت دهم خیلی روی

این متمرکز نشد. خوشبختانه دولت یازدهم که روی

کار آمد به محض اینکه خودش را پیدا کرد، شنیدم

که بخشنامه کرد و قانون را یک مقدار پیگیری کرد.

آن قانون جامعی است اگر ناقص اجرا شود، ممکن است

آثار و نتایجی را که می‌خواهیم ندهد. مدعی هستیم که

اگر این نوع قوانین درست و به موقع اجرا شود خیلی

می‌تواند در جهت واگذاری کارهایی که غیرضروری و به

دوش دولت هست و مردم می‌توانند این کارها را انجام

دهند، موفق باشیم.

سپهر نقش تشکل‌های بخش خصوصی را در این

میان چطور می‌بینید؟ فکر می‌کنید که انجمن

پسته ایران به آن بلوغ رسیده که بتواند این

مسئولیت‌هایی را که در قانون پیش‌بینی شده

ایفا کند؟

فکر می‌کنم که هنوز اول کار انجمن پسته است. دلایلش

هم این است که اینجا مطرح شد دولت بیاید و انجمن

پسته را فعال کند و راه بیاندازد یا وزیر جهاد کشاورزی

باید بیاید. و دولت یک زمانی تصویب کرده بود که

انجمن پسته در رأس آن حامیان وزارت خانه‌ها باشند.



ماهنامه پسته - عضومجمع تشخیص مصلحت نظام

و نماینده مردم شهرهای تهران، ری، شمیرانات و

اسلامشهر در مجلس شورای اسلامی در دوره‌های دوم،

سوم، چهارم، پنجم، هفتم و هشتم و نهم بوده است.

محمدرضا باهنر ریاست فراکسیون اکثریت مجلس پنجم

و عضو هیات ریسه‌ی مجالس چهارم، پنجم، هفتم،

هشتم و نهم بوده است و نیابت رییس مجلس هفتم

و هشتم و نهم را بر عهده دارد. این چهره‌ی کرمانی

در شمار باسابقه‌ترین و متنفذترین نمایندگان مجلس

محسوب می‌شود. از این رو دیدگاه‌ها و نظرات او می‌تواند

حایز اهمیت باشد. بر این اساس با او به گفت‌وگو نشستیم.

حاصل این گفت‌وگو پیش روی شماست که می‌خوانید.

سپهر آقای باهنر! دومین گردهمایی انجمن پسته

ایران در کیش را چطور دیدید؟

جلسه خوبی بود. من اولین مرتبه بود که در جلسات

انجمن پسته شرکت کردم و البته زیاد هم نتوانستم در

همه‌ی جلسات این گردهمایی شرکت کنم. اما کلیت

بحث‌هایی که مطرح کردند. مطالباتی که داشتند. انجمن

پسته ملی است و کرمانی‌ها بیشتر در آن نقش دارند.

فکر می‌کنم که انجمن پسته و کرمان می‌تواند خدمات

متقابل خوبی را داشته باشند و انشاءالله فعال می‌مانند.

سپهر ارزیابی شما از توان بخش خصوصی فعال

در این بخش چیست؟

در هر صورت در این تیپ کارها، خیلی به کمک‌های

دولت نباید چشم داشته باشیم. دولت هم از نظر بودجه

وضعیت مناسبی ندارد و هم اینکه مدت‌هاست دنبال

این هستیم که همه‌ی کارها را به بخش خصوصی واگذار

کنیم. غیر از بعضی از کارهای حاکمیتی، این تیپ کارها

قطعاً کار بخش خصوصی است. اما برای حلقه وصل

گندم را تولید کنیم. حتی آن موقع اگر لازم باشد ممکن است درختان مان را قطع کنیم و گندم بکاریم. ولی باید این ظرفیت را داشته باشیم. اگر بخواهیم صرفاً اقتصادی فکر کنیم دیگر مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کنار گذاشته می شود. از این مثال های دولت مخصوصاً دولت دهم و یازدهم زیاد می بینیم؛ هدفمندی پارانه! خیلی ها می گویند که روز اول غلط شروع شده است. من هم الان قبول دارم که بد شروع شده است. اما الان می توانیم قطع اش کنیم؟ از هفتاد میلیون جمعیتی که از ما یارانه ی نقدی می گیرند، حداقل بیش از ۵۰ درصدشان بر این اساس زندگی شان را تنظیم کرده اند. نمی توانیم به یک دفعه قطعش کنیم.

سیاه **باید نظر گرفتن تمام ملاحظات اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی، برای آب استان چه برنامه ای دارید؟**

آب استان به شدت بفرنج شده و در بحران است. در کمیته ی کشاورزی مجلس بحث هایی مطرح شد. باید یا مصرف آب را کاهش دهیم یا منبع جدید به آب مصرفی کرمان اضافه کنیم. یک گپ وجود دارد یعنی یک فاصله سنگین بین مصرف و بین تأمین منابع آب، چه نزولات آسمانی چه هدایت آب ها، وجود دارد. باید هر دو طرف اقدام کنیم. من تخصص ندارم. به عنوان نمونه بچه های کشاورزی می گفتند که اگر بتوانیم در کرمان آبی را که از چاه بیرون می آوریم تا کنار مزرعه در لوله ببریم، کل کمبود فعلی آب کرمان جبران می شود. بهره روری آب مصرفی ما در کرمان در کشاورزی زیر ۳۰ درصد است.

سیاه **حتماً می دانید که استان کرمان رتبه دهم جذب اعتبارات آبیاری تحت فشار را دارد.**

نمایندگان مجلس چه می کنند؟

این رتبه برای استان بد است یا خوب است؟

سیاه **برای استانی که رتبه اول باغات کشور را دارد، حتماً بد است!**

بالاخره ما در ایران خیلی تشنه داریم. اگر بخش خصوصی بخواهد خیلی چشم بدوزد به تسهیلات دولتی، معلوم نیست مشکلات ما حل شود. چون بخشی از شرایط است که به این سادگی حل نمی شود. اولاً باید به صورت جدی در مصرف آب صرفه جویی کنیم. جاهایی که بهره روری و بازدهی باغثانمان غیراقتصادی است، فکری باید برایشان کنیم. من جرأت نمی کنم اما می خواهم بگویم که باید این باغات را تعطیل کنیم. باید خشکشان کنیم. خلاصه برای اینکه بتوانیم باغاتی که بهره روری بالا دارند، زنده نگه داریم، باید از این باغات دندان کند. متأسفانه ما صد واحد آب داریم و این مقدار آب را در زمینی که هزار واحد آب نیاز دارد استفاده می کنیم. همه اش لطمه می خورد. ممکن است مناطقی داشته باشیم که درخت بیست ساله دارد، ولی به این جمع بندی برسیم که دیگر نمی توانیم درخت را حفظ کنیم. این شوخی نیست که باغ پسته ما هکتاری ۵۰۰ کیلو پسته می دهد در حالی که نرمالش باید سه تن باشد. خیلی ضرر و زیان دارد.

اعلام کرده است. از آن طرف دولت و مجلس نگرش خاص خودشان را دارند. نگاه شما به مقوله ی خودکفایی چیست؟

ما در این نوع تصمیمات، اصولاً صفر و صد نمی توانیم فکر کنیم. یعنی خودکفایی یا خوداتکایی مان یک مساله استراتژیک و ضروری است. حاکمیت هیچ وقت و هیچ زمانی نمی تواند از آن صرف نظر کند. ما در بعضی از مناطق مرزی مان اگر بخواهیم که مناطق مسکونی داشته باشیم باید ده برابر یک شهر هزینه کنیم تا بتوانیم به عنوان مثال ۵ هزار آدم را در منطقه مرزی قانع کنیم که ساکن شوند. مغز اقتصادی می گوید این کار ابلهانه است. اما مغز امنیتی می گوید حتماً باید این کار انجام شود. اینجاست که تضاد کسی که امنیتی فکر می کند با کسی که اقتصادی فکر می کند با کسی که به رفاه اجتماعی فکر می کند، روشن می شود. بعضاً پیشنهاداتشان نه تنها متفاوت بلکه متضاد است و حاکمیت باید اینها را جمع کند. از آن طرف هم که شما سوال کنید، حتماً خواهم گفت که اصلاً نمی شود همه مسائل اقتصادی را فدای امنیت کرد. اگر قرار باشد که کشوری تمام پول هایش را فدای امنیت کند، مردم شورش می کنند. پیدا کردن نقاط ایتیمیم مهم است. ما معتقد هستیم کشور ایران با توجه به وضعیتی که در نظام بین الملل دارد، باید ظرفیت تولید کالای اساسی را بالقوه داشته باشد. اما معنایش این نیست که بالفعل این اتفاق بیافتد. یعنی اینکه بگوییم ما هر سال می خواهیم تمام گندم و روغن و پنبه و چیزهای دیگر را خودمان تولید کنیم؛ نه! اما این ظرفیت باید وجود داشته باشد. باز یک مثال خیلی ساده تر بزنم. ممکن است یک ایستگاه آتش نشانی را به مدت ۵ سال نگهداری کنیم و برایش هزینه کنیم که به روز شود. کسی بیايد و بگوید این کار احماقانه ای است. بله؛ ممکن است تا چند سال ما استفاده ای نداشته باشیم. اما اگر یک ساعت از آن استفاده کنیم تمام هزینه ۵ سالی که برایش کردیم جواب می دهد. در کالای اساسی پاسخ نهایی من این است که باید توان بالقوه تولید کالای اساسی را داشته باشیم اما ضرورت ندارد که همیشه بالفعل نگه داریم.

سیاه **حتی وقتی که منابع اش را نداریم؟**

بله. همه ی این مثال ها را به همین خاطر زدم.

سیاه **نگاه شما به مفهوم تجارت آب مجازی چیست؟**

موافق هستم و این مساله خیلی باید جدی گرفته شود.

سیاه **الان که نه جنگی داریم نه شرایط ما امنیتی است و نه مشکلی داریم. چرا سیاست های دولت هنوز در راستای تشویق خودکفایی است؟**

فقط ما دنبال ظرفیت سازی هستیم. دنبال عملیات نیستیم. اینکه شما فکر می کنید در برنامه ریزی ما این است که سال ۹۳ گندم وارد نکنیم، این را قبول ندارم. وارد می کنیم و هیچ اشکالی هم ندارد. اما اگر زمانی جلوی وارداتمان را گرفتند، باید بتوانیم که در داخل

حاکمیت بتواند نقطه ایتیمیم را پیدا کند که حداکثر سود به همه و حداقل ضرر به همه وارد شود.

سیاه **حتی اگر مطالبات گروهی به ناحق باشد، باز هم باید دنبال نقطه ایتیمیم بگردیم؟**

ناحق و باحقش را باید تشخیص دهیم. یک مثال ساده تری می زنم. شما امروز به عنوان خبرنگار یک رسانه از بچه هایی که کلاس آخر دبیرستان هستند یک نظر سنجی کنید بگویید که شما می خواهید دانشگاه ها چقدر ظرفیت داشته باشد، قطعاً جوابشان این است که آنقدر باید ظرفیت داشته باشد که همه ی ما را جا دهد. بعد از بچه های سال دوم دانشگاه همین نظرسنجی را بکنید، خواهند گفت که آنقدر کم باید بپذیرد که اساتید بتوانند به ما برسند. یک شهروند در یک فاصله دو ساله از عمرش دو مطالبه کاملاً متضاد از حاکمیت دارد. هر دوی اینها درست می گویند و هر دو ناقص می گویند.

سیاه **اما این صاحبیت از کسانی است که غیر مجاز برداشت می کردند و دارند صاحب حق می شوند؟**

در رابطه با غیر مجاز باید دید کی به اینها جرأت داده که این کار را انجام دهند. سی سال گذشته انقلاب است. زمانی یک استاندار یا یک امام جمعه آمده و یک حرفی را زده است. مثل این است که در کشورمان مناطق بزرگی داریم از حاشیه شهرهای بزرگ که خلاف قانون، خلاف مقررات رفته اند ساخت و ساز کرده اند. خانه های ساخته اند و دارند زندگی می کنند. کسانی که خانه هایشان مجاز است از ما مطالبه می کنند که غیر مجازها را جارو کنید و بریزیدشان بیرون. اما به عنوان حاکمیت نمی توانیم این کار را بکنیم. خیلی ملاحظات دیگر را باید داشته باشیم. فرض کنید در کرمان خودمان روستایی نزدیک الله آباد بود که حاکمیت ۱۰، ۱۵ سال مقاومت کرد و به مردم این روستا برق، آب و امکانات نداد. آدم هایی بودند که در این روستا بدون برق دنیا آمده بودند و الان ۱۵ ساله شده بودند. اما این ۱۵ سال فشار نتوانست آنها را قانع کند که خانه شان را تخریب کنند و بروند جایی زمین بخرند که امکانات داشته باشند. حاکمیت نمی تواند با این آدم ها شلاقی عمل کنند. باید بگردد و برایش راه حل پیدا کند. بعضی موارد هست که راه حل نیاز دارد. من قبول دارم که مصوبه ای که مجلس داده بود، مصوبه جامعی نبود. ما چون در مجلس یک تعصب صنفی هم داریم ممکن است بسیاری از قوانین را در مجلس رأی ندهیم. اما زمانی که رأی آورد باید قانون باشد و اجرا شود.

سیاه **شخص شما مخالف بودید؟**

بله من رأی ندادم. اما علیرغم اینکه رأی ندادم می گویم قانون که تصویب می شود باید اجرا شود. باید بگردیم راه حلی پیدا کنیم. من فکر می کنم که این قانون نقص های جدی داشت.

سیاه **یکی از بحث های دیگری که این روزها باز هم دارد تکرار می شود بحث خودکفایی است. بخش خصوصی نظر مخالفش را با این نگرش**